

■ اگر چندین دهه پیش زوال عقل برژنف رهبر عالی شوروی جزو اسرار محرمانه دولتی محسوب می‌شد اما در آمریکا طی ۲ انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر، نامزدهای جمهوری خواه و دموکرات در ملا عام یکدیگر را با صفاتی مثل خرف و احمق خطاب کرده‌اند

آیا سرای سالمندان واشنگتن سر نوشتی مشابه هیأت حاکمه فر توت و فاسد کرملین در سال‌های آخر شوروی خواهد داشت؟

# بایدن، برژنف آمریکا



ک) زودتر از همه نامزدها کنار رفت) و برنی سندرز ارائه داد. هر ۲ نامزد انتقادات پایداری از مدل اقتصادی کشور داشتند و آن را مقصر خیزش دونالد ترامپ در داخل و عامل تشدید کلیتوکراسی(فسادسالاری) اقتدارگرایانه در خارج برمی‌شمردند. کارزارهای این ۲ به طور مستمر طبیعت ناپایدار خط سیسر فعلی را بر جسته می‌کرده؛ نه فقط در زمینه تامین مالی اقتصاد ایالات‌متحده، بلکه روندهای شکست‌خورده سامانه سلامتی (هلنکر)، بدهی‌های تحصیلی و فروپاشی اقلیمی و دفاعی. آنها نشان داده‌اند که موضوع به موضوع، پیشبرد تشخیص و درمان برای چنین بیماری‌هایی بشدت محبوب واقع شده‌است. بایدن اما به شکلی موثر در ضدیت با کارزار اصلاحات ساختاری بوده‌ است؛ او به جای تشریح تفصیلی این موضوع که به گمان او کجای کار تحلیل‌های جناح چپ اشکال دارد، ترجیح می‌دهد راه‌حل‌های آنها را غیرکاربردی و غیرانتخابانی برشمارد. او انقدر صادق بود که به حمایت‌کنندگان مالی ثروتمند حزب بگوید اگر رئیس‌جمهور شود هیچ تغییر بنیادینی صورت نمی‌گیرد؛ این اما چیزی بیش از صرف چشم‌پوشی از مالیات پیشنهادی بر ثروت است. بر خلاف تشکیلات اوپاما، دولت (وایایدن) می‌تواند بدون نقشه‌راه سیاسی، برنامه‌ای برای اصلاح‌طلبان و چه‌بسا فاقد اثری اجرایی باشد. ذهن به وضوح سست بایدن در صندلی راندگی نشسته و همراه با نوستالژی او برای روزهای مدنیت و سیاست‌های مشارکتی در کمیوتل هیل (کنگره و مرکز حاکمیت ایالات‌متحده) است که به طور آشکار دموکرات‌ها را طی دهه‌ها ناکام گذاشته است. با وجود اینکه این کشور ۵/۹ تریلیون دلار برای درگیری‌ها در خاورمیانه و آسیا هزینه کرده بی‌آنکه بتوان ایمن‌تر شدن این مناطق را به اثبات رساند اما هیچ بازبینی‌ای درباره نقش ایالات‌متحده در جهان انجام نخواهد شد. میل بایدن و هوادانش برای شکست دادن دونالد ترامپ

ببخشید:چندین‌لیگ‌فاصله‌میان‌دسیسه‌های‌یک‌حزب‌توتالیتر با‌انتخابات‌مقدماتی‌دموکرات‌ها‌وجود‌دارد.‌بدیهی‌است‌در‌اتحاد‌جماهیر‌شوروی‌سوسیالیستی‌انتخابات‌آزاد‌و‌مصفاهانی‌در‌کار‌نبود‌اما‌یک‌شباهت‌اساسی‌وجود‌دارد.‌شوروی‌آن‌اواخر،‌سامانه‌پیچیده‌ای‌بود‌که‌تشکیلات‌حزب‌از‌اواخر‌دههٔ ۱۹۶۰ هم‌به‌سوء‌کار‌کردش‌واقف‌بودند.

با این وجود حاکمیت شوروی به جای بازنگری در نقش جهانی خود با آغوش گشودن برای آنچه اصلاحات ساختاری رادیکال تلقی می‌شد که امکان تهدید منافع روسای حزب و شرکت‌های دولتی را به وجود می‌آورد، راهبردی اجتنابی را برگزید؛ ابتدا بواسطه برژنف، سپس توسط چرنکو، هزینه‌ای که در نهایت با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پرداختند، در جهان تاریخی شد.

نویسنده کاربین در این مقاله ابتدا آینده کاخ سفید را به بایدن و دموکرات‌ها گره زده و سپس چشم‌انداز زوال هیات حاکمه آمریکا به سبک پولیتبوروی شوروی را مورد بررسی قرار می‌دهد. او برای اینکه نشان دهد جو بایدن به عنوان محتمل‌ترین گزینه دموکرات‌ها برای نامزدی در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ – اگرچه اوصاف ۹ ماه پیش، بایدن هنوز در انتخابات مقدماتی درون حزبی در تقالای بیرون آمدن از زیر سایه سندرز و وارن بود– چگونه رئیس‌ی برای قوه مجریه خواهد بود، رویکردهای او در داخل ساختار حزب دموکرات را مورد مذاقه قرار داده و می‌نویسد: «این چرخه انتخاباتی حزب دموکرات (امریکا) به‌جای یکی دو کارزار جذاب در رابطه با اصلاحات ساختاری در قامت الزیبات وارن

آیا انگیزه و وضعیت رهبران دموکرات برای اصلاحات ساختاری مورد نیاز حتی در داخل حزب خودشان، تفاوت چندانی با رهبران سالخورده و بیمار شوروی در واپسین سال‌های منتهی به فروپاشی‌اش دارد؟ در حالی که جو بایدن خواب‌آلوی تقریباً ۷۸ ساله با همان سبک دودین نمایش‌اش، سالانه‌سالانه از میان صندوق‌های آرای مخدوش جورجیا، پنسیلوانیا و آریزونا و هرج‌ومرج اجتماعی و سیاسی‌ای که ترامپ همچنان در روزهای آخر به آن دامن می‌زند به سوی کاخ سفیدی راه باز می‌کند که خود در محاصره بحران‌هایی به‌مراتب جدی‌تر مثل همه‌گیری کرونا،سقوط اقتصاد دلار و انزوای هژمونی آمریکایی در جهان است،این پرسش مطرح می‌شود که آیا او واقعا رهبری هست که قابلیت فیزیکی، ذهنی و حتی جایگاه سیاسی لازم را برای مواجهه با سخت‌ترین روزهای داخلی و خارجی آمریکا داشته باشد و تازه اگر توانش را هم داشته باشد، انگیزه‌ای برای برگرداندن ورق دارد؟

یک محقق انگلیسی– فرانسوی با ریشه‌ای خاورمیانه‌ای و با سابقه تحلیل روندهای جهانی قدرت شرق و غرب در یکی دو دهه اخیر بویژه در مورد افول کلاشهر لندن (به عنوان مرکزیت بقایای امپراتوری فروپاشیده بریتانیا) و همچنین ظهور و سقوط امپراتوری جدید روسیه به رهبری پوتین، حال تلاش دارد به پرسش حیاتی بالا درباره آمریکا پاسخ دهد. پاسخ بن بوده، به اینکه جدیدترین رئیس‌جمهور جدید ایالات‌متحده ممکن است چقدر شبیه باثبات‌ترین رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی و همچنین آخرین نسل رهبران مقتدر حزب کمونیست باشد، تلوپاח مثبت است. ضمن اینکه نباید از یاد برد که اعتبار پیش‌بینی او وقتی دوچندان می‌شود که بدانیم نقد او درباره رئیس‌جمهور بعدی آمریکا خود در قالب یک پیش‌بینی بوده است؛ در حقیقت او حدود ۹ ماه پیش و در حالی که هنوز بحران کرونا مثل امروز گلوی پروژه آمریکای بزرگ ترامپ را نقشرده بود، در مقاله «یا بایدن، برژنف آمریکایی است؟» برای روزنامه گاردین دست به ۲ پیش‌بینی طلایی تو در تو زد.

یوداه مقاله‌اش را چنین آغاز کرده بود:

«او با وجود ناخوش‌احوالی و گیجی، اعتماد حزب الیگارشی «ومن کلاتورا» –اعضای حزب کمونیست در مصر پست‌های کلیدی سیاسی و صنعتی دولت اتحاد جماهیر شوروی– را در یک ایرقدرت رو به زوال به دست آورد؛ با قول عدم اصلاحات ساختاری، محدودیت ایجاد نکردن در منافع خاص و عدم تغییر در سیاست‌خارجی‌داخله‌جویانه،سلطه‌طلبانه و بیش از حد متمد.

این چکیده‌ای کاملاً شفاف از چگونگی

به قدرت رسیدن لئونید برژنف بیمار در اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۷۰ میلادی بود یا همان ترفندی که توسط کنستانتین چرنکو، نامزد مخالف گورباچف به هر قیمت ممکن، یک سال قبل از مرگش برای دبیر کل شدن در حزب کمونیست در سال ۱۹۸۴ به کار بست. اما اینکه این واقعیت می‌تواند به‌عنوان دستور کار جو بایدن برای تشکیلات حزب دموکرات در نظر گرفته‌شود جای تأمل دارد.

در این قیاس، به سبک واقعی اروپای شرقی، به عنوان یک «جوک جدی» تامل کنید. اول، بخش احمقانه (قیاس) را

بیماری‌های مشابهی که ایالات متحده و اتحاد شوروی را رو به زوال برد

## روزی روزگاری اتحاد جماهیر آمریکا



■ گورباچف آخرین رهبر شوروی در کنار بایدن و اوپاما

«هارولد جیمز» استاد تاریخ و امور بین‌المللی در دانشگاه پرینستون آمریکا مثالی جالب از بیماری سالمندی شوروی آورده است: «اتحاد جماهیر شوروی برای سال‌ها، عرصه‌ای بارور برای طنازی‌ها و لطیفه‌های سیاسی بود که در جامعه آمریکا به آنها اشاره می‌شد. یک داستان جالب در شوروی وجود دارد و آن این است که روزی یک جوان، در میدان سرخ مسکو با صدای بلند فریاد زد که رهبر شوروی «لئونید برژنف» احمق است. دولت شوروی وی را دستگیر و به ۲۵/۵ سال حبس محکوم کرد. ۶ ماه از این حکم به توهین آن جوان به برژنف اختصاص داشت و ۲۵ سال دیگر نیز به اتهام وی مبنی بر افشای اسرار محرمانه دولتی» دست‌کم می‌توان گفت در آمریکای امروز، حقاقت و خرف‌بودن حاکمانش جزو اسرار محرمانه دولتی محسوب نمی‌شود، چون طی ۲ انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر، ۲ نامزد جمهوری‌خواه و دموکرات صریحا در پیشگاه رسانه‌های بین‌المللی یکدیگر را دقیقاً با چنان صفاتی خطاب کرده‌اند. علاوه بر این افزایش معنادار سن نامزدهای ریاست‌جمهوری و شخص رئیس‌جمهور منتخب طی یک دوره ۱۲ ساله، روندی آشکار است. سال ۲۰۱۶ دونالد ترامپ ۷۰ ساله، هیلاری کلینتون ۶۹ ساله را شکست داد و به کاخ سفید راه یافت و حالا جو بایدن ۷۸ ساله با شکست ترامپ ۷۴ ساله رئیس‌جمهور منتخب می‌شود. «فرانکلین فوئر» تحلیلگر نشریه اتلانتیک، اوایل سال ۲۰۲۰ در یک گزارش تطبیقی کم‌نظیر تلاش کرد این موضوع را ثابت کند که چگونه بیماری‌های کلیتوکراسی (دزدسالاری) و پیرسالاری اواخر عمر شوروی با فروپاشی دیوارهای آهنین از حاکمیت سیاسی آن، به واسطه یک جریان مالی آلوده و از آن مهم‌تر بزرگ‌تر شدن شکافی را بگیرد که سیاستمداران و تحلیلگران نزدیک به هسته حاکمیت واشنگتن نیز بر آن صحنه

بواسطه مصاحبت با برخی رهبران اوراسیا از جمله عمران‌خان به دست آورده است. از این جهت، قیاسی که میان حکمرانی فعلی واشنگتن با الیگارشی‌های شرقی انجام می‌دهد، اعتباری ویژه پیدا می‌کند. او با نگاهی به حقایق دستنگاه حکمرانی ایالات‌متحده ادامه می‌دهد:

«چیزی که عمدتاً دستنگاه حاکمه واشنگتن را به سوی بایدن جلب می‌کند این است که او تصویری در قالب رهبر افسانه‌ای آمریکایی بازتاب می‌دهد. با این حال بی‌مایه است. آنچه مرا نگران می‌کند کمربسته‌های حاکمیت برای آن چیزی است که «قوانین مبتنی بر نظم بین‌المللی» خوانده می‌شود که ترامپ آن را نادیده می‌گرفت. آنها دارد یادشان می‌رود که قدرت آمریکایی بر بنیادی از گسترده وسیعی از موفقیت‌های بومی بنا شده که ثبات اجتماعی را ممکن می‌سازد. اگر چه وقتی درآمد بلیقات متوسط و پایین برای چندین دهه با کسادی مواجه است – به طوری که ۱۴۰ میلیون بزرگسال (شهروند آمریکا) هر سال گزارش «مشقت تامین مالی درمان» پر می‌کنند، سن امید به زندگی شخص در حال نزول است، وثیقه و بدهی دانشگاهی به رشد خود ادامه می‌دهد– چنین بنیادی شروغ به فرو ریختن می‌کند. نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد احساس ملی خوشبختی افول کرده است. نمایه‌های کلیدی مثل این‌همان‌هایی بودند که رهبری شوروی، آن زمان که ترجیح داد برژنف را با وجود کمولت سن در قدرت نگه دارد یا چرننکو را چند ماه مانده به مرگ محتوم برگزیند تا با چالش اصلاحات داخلی مواجه نشود، تصمیم به نفی‌شان گرفت.

این همان جایی است که آن «جوک جدی» یادشده واقعا جدی می‌شود. بایدن اگر از دست رسانه‌ها یا پوشش تبلیغاتی جمهوری‌خواهان جان سالم به در ببرد، می‌تواند در انتخابات نوامبر پیروز شود… اما کسانی که برای یادگاری نوشتن روی دیوار او عجله دارند باید با خودشان صادق باشند که این چه جور ریاست‌جمهوری خواهد بود؛ نوعی دولت موفق که به افسانه‌های ابرقدرت (امریکا) سوگند یاد می‌کند و مشکلات ساختاری بی‌حساب را که باعث تهی شدن قوت ملی از درون می‌شود نادیده می‌گیرد، چرا که مشکلات بیش از اندازه سخت هستند».

| [ مقایسه‌پیرشدن حاکمیت شوروی و آمریکا ]                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                           |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                   |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <div></div> <div><b>ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا</b></div> <div>۲۰۱۶–۲۰۲۰</div> <div>دونالد ترامپ (۷۴ سال)</div> <div>رقیب اصلی در انتخابات: هیلاری کلینتون (۶۹ سال)</div> <div>۲۰۲۰–۲۰۲۴</div> <div>جو بایدن (۷۸ سال)</div> <div>رقیب اصلی در انتخابات: دونالد ترامپ (۷۴ سال)</div> <div><b>رئیس‌مجلس نمایندگان کنگره:</b> نانسی پلوسی (۸۰ سال)</div> <div><b>رئیس مجلس سنا:</b> چاک گرسلی (۸۷ سال)</div> | <div><div></div> <div><b>ریاست‌عالی اتحاد جماهیر شوروی</b></div> <div>۱۹۸۲–۱۹۶۴</div> <div>لئونید برژنف (پایان حکومت با مرگ در ۷۵ سالگی)</div> <div>۱۹۸۴–۱۹۸۲</div> <div>یوری آندروپوف (پایان حکومت با مرگ در ۶۹ سالگی)</div> <div>۱۹۸۵–۱۹۸۴</div> <div>کنستانتین چرنکو (پایان حکومت با مرگ در ۷۳ سالگی)</div> <div>۱۹۹۱–۱۹۸۵</div> <div>میخائیل گورباچف (پایان حکومت در ۶۰ سالگی)</div></div> |

می‌گذارند. «جان کری» نامزد ریاست‌جمهوری دموکرات‌ها وزیر خارجه پیشین، قبل از انتخابات درباره ادامه این شکاف اجتماعی با تعبیر «فوق یک انقلاب» در آمریکا هشدار داده بود و هم‌حزبی او «توماس فریدمن» برجسته‌ترین تحلیلگر سیاسی آمریکاسل از انتخابات، در نشریه اکونومیک تایمز نوشت: «امریکا هرگز مثل امروز شاهد سیاست‌های دوقطبی و جدایی‌افکنانه نبوده است. مهم‌تر از برنده این انتخابات، بازنده آن است. ما قطعاً می‌دانیم این بازنده کیست؛ ایالات متحده».

او دوره ترامپ را تجربه‌ای وحشتناک از حمله بی‌صداقتی و تفرقه‌افکنی به پایه‌های دموکراسی آمریکایی توصیف کرد و نوشت: «ترامپ قواعد را نقض و هنجارها را بی‌اعتبار کرد، به شکلی که تاکنون هیچ رئیس‌جمهوری نکرده است. به دروغ مدعی تقلب انتخاباتی شد و دیوان عالی را فراخواند تا مانع از رأی دادن شود».

فریدمن همانند فوجی از متفکران و سیاستمداران آمریکایی دیگر معتقد است از ره‌آورد این دوره، گسل اشتقاقی برای همیشه در بطن ایالاتی که دیگر چندان متحد نیست، نهادینه شده است؛ پدیده‌ای که تقابل نژادی و جهان‌بینی ملت ترامپ با بقیه آمریکا خوانده است.

با این حال نمی‌توان همه مشکلات آمریکا را به گردن ترامپ انداخت. وقتی گروه پراچکت سیندیکیت، حدود ۵ ماه قبل پرونده زوال شوروی گونه ایالات متحده را منتشر می‌کرد، دلار و هژمونی را مقصران آمریکایی به مراتب بزرگ‌تر از ترامپ برشمرد. دلار و سلطه نظامی پنتاگون ۲ اهرمی بودند که پس از جنگ دوم جهانی، دنیا را در جهت حفظ تعادل داخلی آمریکا غارت می‌کردند و حالا هر ۲ افولی مشهود را تجربه می‌کنند. شباهت اقتصاد آمریکای کنونی به شوروی در بحث اقتصادی است. اقتصاد شوروی، اقتصادی بزرگ و پیچیده با برنامه‌ریزی متمرکز بود که طیف عظیمی از انسان‌های باسواد را در کارهای غیرسازنده و بوج به کار می‌گماشت. آمریکا، وال‌استریت دارد. سیستم اقتصادی آمریکا نیز بیش از آنکه ارزش تولید کند، آن را استخراج می‌کند. از این رو، باید آن را نیز همچون شوروی، غیرسازنده و غیرمولد دانست.

بدین ترتیب اقتصاد آمریکا سوژه بحثی مشابه شده که اقتصاددانان غربی به پیشاهنگی «رابرت مادل» در استانه دهه ۱۹۷۰ میلادی باز کرده بودند، یعنی آغاز زوال شوروی با شروع افول اقتصادی بلوک شرق. اگر نیم قرن پیش اقتصاد تنبل سوسیالیستی با تغییر استاندارد طلا از سبقت شتابان اقتصاد کینزی و سپس انفجار مالی در بازارهای جهانی به رهبری وال‌استریت جا ماند، امروز رشد بی‌سابقه بهای طلا و هر چیز بهاداری که بتواند جایگزین دلار شود، گواهی است بر جان‌مندن اقتصاد آمریکا از قافله دنیای قرن بیست‌ویکم.